

بسمه تعالی

درس تاریخ قرآن

دکتر میریان

تعریف لغوی وحی: وحی به معنای پیام- نوشته- کتابت- به معنی رساله- به معنی سخن پوشیده- به معنی شتاب و عجله- به معنی هرچه از کلام یا نوشته که به دور از دیگران القاء و تعلیم می شود راغب اصفهانی در مفردات می گوید: اصل الوحی اشاره السریعه (اشاره سریع) همه تعاریف وحی در سخن مخفی اشتراک دارند.

وحی در قرآن دو دسته اند:

الف- وحی رسالی ب- وحی غیر رسالی

وحی رسالی همان وحی پیامبران است که ماهیت تشریحی دارد.

وحی غیر رسالی ، که همان ماهیت تکوینی است.

وحی غیر رسالی انواعی دارد:

۱- وحی غیر رسالی : اشاره پنهانی (داستان حضرت زکریا سوره مبارکه مریم آیه ۱۱ (فخرج قومه من المحراب فاوحی الیهم ان سبحوه بكرة و عشیا)

۲- وحی غیر رسالی: (هدایت غریزی) و به عبارتی تمام حیوانات و موجودات ارشادات و رهنمود های طبیعی از سوی خداوند در وجود آن ها به ودیعه گذاشته است، همه موجودات راه تداوم و راه زندگی خود را پیدا می کنند. (مانند مکیدن کودک از پستان مادر) یا زنبور عسل

یا به صورت کلی تر، (ربنا الذی أعطی کل شیء خلقه ثم هدی) سوره طه ودر سوره مبارکه نحل آیه ۶۸ می فرماید: پروردگارت به زنبور عسل وحی کرد که بسازد از کوهها خانه هایی و از داربست هایی که مردم می سازند، پس بخور از همه میوه ها (از شهد گلهها) و راه پروردگارت را بپوی. (تذکر فاصله در قرآن ، همان قافیه در شعر است)

منظور از الهام چیست:

الهام یا سروش غیبی : گاهی اوقات انسان پیامی را دریافت می کند ،که منشاء آن را نمی داند ،به ویژه در حالت اضطراب و زمانی که تصور می کند راه به جایی ندارد ناگهان ، یک تلو لو و انوار و درخششی در دل او پدید می آید، که راه را بر او روشن می کند و او را از آن مخمصه بیرون می

آورد، این پیامهای ره گشا همان سروش غیبی است، که از پشت برده بر انسان ظاهر شده و به مدد او می آید، از این سروش غیبی که از عنایت الهی سرچشمه می گیرد، با عنوان وحی تعبیر شده است.

یکی دیگر از معانی وحی فتنه انگیزی شیطان : سوره مبارکه انعام آیه ۱۱۲ یا انعام ۱۲۱ (ان الشیاطین لیوحون الی اولیائهم) شیاطین با شما مجادله می کنند و وسوسه می کنند. (وسواس خناس نام یکی از شیاطین است و خناس یعنی اختفای بعد از ظهور، یعنی بعد از اینکه ظاهر شد مخفی می شود و وسواس همان خطور افکار زشت است یا آهسته سخن گفتن نوعی وسوسه است.

وحی رسالی: همان وحی به پیامبران یا وحی تشریحی است : سوره مبارکه شوری آیه ۷ (و کذالک اوحینا الیک القرآن عربیاً لتنذر ام القری و من حولها) و سوره مبارکه یوسف آیه ۳ (نحن نقص علیک احسن القصص)، وحی رسالی شاخصه نبوت است و وحی رسالی در قرآن ۷۰ آیه آمده است.

روایتی از امام حسن (ع) که در مورد وحی رسالی می فرماید: (ان الله وجد قلوب محمد افضل القلوب وأوعاها فاختاره لنبوہ) (بحار الانوار جلد ۸ / صفحه ۲۰۵) خداوند قلب پیامبر را بهترین قلوب یافت، و پذیراترین آنها را یافت و او را برای نبوت برگزید.

با توجه به این روایت آنچه برای پذیرش وحی لازم است، افزایش آگاهی و پذیرش وحی الهی است، چنین فردی یعنی پیامبر ص برای رسیدن به چنین آگاهی باید، چشم از این پیرایه های جسمانی پاک کند تا شایسته ملاقات با ملکوتیان گردد.

روایتی دیگر از پیامبر اکرم (ص) می فرماید: ولا بعث الله نبیا و لا رسولا حتی یتکمل العقل ویكون عقله افضل من جمیع عقول امته (اصول کافی جلد ۱ ص ۱۳) بنابراین این توضیحات، وحی چیزی جز آگاهی باطن نیست، که بر اثر سروش غیبی صورت می گیرد سوره مبارکه بقره آیه ۹۷ دلالت بر این قضیه دارد. (قل من كان عدوا لجبریل فانه نزله علی قلبك باذن الله)

فرق میان الهام (وحی غیر رسالی) و وحی رسالی چیست؟ وحی هم مانند الهام به تابناک شدن درون در مواقع خاص اطلاق می شود، با این تفاوت که منشأ الهام بر الهام گیرنده مشخص نیست، پوشیده است، ولی منشأ وحی رسالی بر الهام گیرنده که همان پیامبرانند روشن است، به تعبیری دیگر پیامبران هرگز در گرفتن پیام آسمانی، دچار حیرت و سردرگمی نمی شدند، زیرا بر منشأ وحی و کیفیت آن آگاهی حضوری کامل دارند.

اسامی قرآن

قرآن = شافعی: ارتجالاً - زجاج و قتاده: قرء به معنای جمع و گردآوری (قرأت الماء فی الحوض) -
لحیانی و ابن عباس: قرء به معنای خواندن و پیرو هم آوردن - اشعری: قرن ضمیمه کردن، پیوستن،
نزدیک ساختن - فرء: قرائن (جمع قرینه) قرینه و مؤید آیات دیگر

فرقان = ابن عباس: فارق میان حق و باطل - نجات و موفقیت (ان تتقوا الله يجعل لكم فرقانا)

کتاب = در اصل لغت گرد هم آوردن - آیات و قصص و احکام گرد هم آمده است.

ذکر = اصیل عربی - به معنی شرف هم آمده: کتاباً فیه ذکرکم - یادآوری به فرائض و احکام

تنزیل = به تدریج نازل گردید.

وحی: الهام فطری (مادر موسی) - الهام غریزی به حیوان (زنبور) - اشاره سریع و مرموز - اشاره با
جوارح و اعضا - وسوسه شیطان - القاء امری به فرشتگان - سخن خداوند با انبیا

رابطه خدا با پیامبر: ۱. القاء معنی بر قلب پیامبر (ص) ۲. سخن از پس پرده ۳. سخن با فرشته وحی

تحنث: کناره‌گیری و دوری از گناه

آغاز نزول وحی قرآنی: شب قدر (بیست و سوم)

دفعی یا تدریجی؟ ابن عباس: دفعی به آسمان دنیا، تدریجی به پیامبر (ص) - مقاتل، فخر رازی: شب
قدر هر سال، نزول دفعی - شعبی: آغاز نزول شب قدر

حکمت نزول تدریجی: ۱. مقتضیات ۲. دلگرمی ۳. حفظ قرآن ۴. سنگینی وظایف ۵. تأمل بیشتر در
آیات ۶. ناسخ و منسوخ

اولین آیات: سوره علق (امام رضا: اولین علق آخرین سوره نصر) - مدثر پس از دوره فترت اولین
سوره

آخرین آیه: ابن عباس و سدی: واتقوا يوماً ترجعون فيه الى الله - آخرین سوره: براءت

آیه: معنی: ۱. علامت و نشانه (ان آیه ملکه ان یأتیکم التابوت...) ۲. جماعت (خرج القوم بأیتهم)
۳. امر عجیب و شگفت (فلان آیه فی کذا)

تعریف (ابن عربی): بخشی از حروف یا کلمات یا جمله‌ها که طبق نقل و روایت حدود آن مشخص
شده.

ابو عمرو دانی: غیر «مدهامتان» کلمه آیه نمی‌شناسم.چ

زمخشری: آیات توقیفی است نه اجتهادی.

زید بن ثابت: کنا عند رسول الله نؤلف القرآن من الرقاع: دلالت بر توقیفی بودن آیات دارد.

قاضی ابوبکر باقلانی: رعایت ترتیب فعلی آیات واجب و لازم الاجراست. آلوسی هم همین عقیده را دارد.

مجلسی، محدث نوری، علامه: ترتیب آیات و سور، رأی و اجتهاد صحابه بوده.

تعداد آیات:

عدد کوفی: حمزه بن حبیب زیات - کسایی - خلف بن هشام - از ابن ابی لیلی از ابی عبدالرحمان از علی بن ابیطالب (ع)

مدنی اول: ابی جعفر یزید بن قعقاع و شیبه بن نصاح / حسن بن علی (ع) و ابن عمر

مدنی دوم: اسماعیل بن جعفر بن ابی کثیر / ابوجعفر - شیبه - اسماعیل بن جعفر

مکی: مجاهد بن جبر - اسماعیل مکی - نقل سیوطی: ابن کثیر از مجاهد از ابن عباس از ابی بن کعب

بصری: عاصم بن ابی صباح یا ابی عجاج - ایوب بن متوکل

شامی: عبدالله بن عامر

طبرسی: صحیح عدد: کوفی: ۶۲۳۶

مکی مدنی

فوائد مکی مدنی: آگاهی از تاریخ و اسلوب قرآن

ابن نقیب گفته: مکی - مدنی - مکی و مدنی - نه مکی نه مدنی

ملاک مکی مدنی: عثمان بن سعید دانی از یحیی بن سلام: هجرت

خصوصیات قطعی مکی: ۱. سجده واجبه ۲. لفظ کلا ۳. یأیها الناس مکی، یأیها الذین امنوا مدنی مگر
سوره حج که یأیها الذین امنوا دارد. ۴. قصص انبیا و ملل گذشته جز بقره ۵. داستان آدم و ابلیس جز
بقره ۶. حروف مقطعه جز بقره و آل عمران

خصوصیات شایع مکی: ۱. کوتاهی و ایجاز و حرارت تعبیر و شدت لحن و تجانس صوتی ۲. دعوت به

اصول دین ۳. دعوت به تمسک به خوبیها ۴. مجادله با مشرکین ۵. کثرت سوگند

خصوصیات قطعی مدنی: ۱. فرمان جهاد و احکام ۲. احکام حدود و فرائض به طور مفصل ۳. شرح منافقین جز سوره عنکبوت ۴. مجادله با اهل کتاب و دعوت به عدم تعصب

خصوصیات شایع مدنی: ۱. طولانی، مفصل، سبک آرام ۲. تفصیل براهین و ادله

سوره. معانی: ۱. باقیمانده آشامیدنی در ظرف ۲. حصار و باروی شهر (از سور) ۳. دستبند (از سوار) ۴. مقام و منزلت. نابغه ذبیانی (الم تر ان الله... ۵. از تسوّر: تصاعد، ترکیب (اذ تسوّروا المحراب) بالا رفتن. ابوالفتوح: سوره: منزلت و شرف

معنی اصطلاحی: جعبری: بخشی که دارای آغاز و انجام است.

ابوبکر باقلانی، ابن فارس، زرکشی، ابن اشته، محدث نوری: ترتیب سور اجتهاد صحابه است.

کرمانی، نیشابوری، صبحی صالح: ترتیب سور توقیفی.

مصحف ابی بن کعب: سوره های خلع و حقد داشت.

جمال القراء سخاوی: طه به نام سوره کلیم نیز گفته می شود - هذلی: طه سوره موسی، ص سوره داود گفته می شود - جعبری: صافات سوره ذبیح گفته می شود

اسامی سور:

حمد: فاتحه الكتاب، ام الكتاب، فاتحه القرآن، ام القرآن، القرآن العظيم، السبع المثانی، الوافیه، الكنز، الکافی، الاسباس، النور، الشکر، الحمد الاولى، الحمد القصری، الراقیه، الشفاء، الشافی، الصلوه، الدعاء، السؤال، تعلیم المسئله، المناجاه، التفویض

بقره: فسطاط القرآن (پوشش و خیمه قرآن)، الفردوس، سنام القرآن (کوه قرآن)

آل عمران: در تورا طیبه گفته شده - این سوره با بقره: زهراوان

سبع طوال: بقره ال عمران نساء مائده انعام اعراف انفال و توبه (یونس)

مئین: صد آیه یا کمتر یا بیشتر؛ ابوالفتوح: از یونس شروع تا مومنون

مثنی: سیوطی: پس از مئین در طبقه دوم - فرّاء: کمتر از صد، مثنی گفته شده چون نزدیک به همد - طبرسی: پس از سبع طوال؛ یا تمام قرآن - ابن عباس: همه سوره ها مثنی اند چون همه پس از دیگری و به هم پیوسته اند.

مفصل: طبرسی: دارای حم و تمام سور کوتاه - جمال القراء: قصص و داستانه کنار هم آمده -

سیوطی: پس از مثنی، وجه تسمیه طبرسی - روایت سعید بن جبیر: آیات منسوخ در اینها کم است. -

از سوره محمد تا آخر قرآن - کوتاهی سوره بسمله‌های زیاد، فاصله های زیاد - ابن عباس: از والضی تا آخر - قرائت ابن کثیر: در بین سوره مفصل باید تکبیر گفت.

عتاق: اسراء كهف مريم طه انبياء - طواسين: شعراء نمل قصص - قرينتين: انفال برائت - ميادين: سوره های الم دار - بساتين: سوره های المر دار - مقاصير: حامدات (رواق، شبستان) - عرائس: مسبحات - دبایج: آل عمران - رياض: سوره های مفصل - ابن مسعود: دبایج حواميم است - قوارع: ايه الكرسي و معوذتين - آيه العز: الحمد لله الذي لم يتخذ ولداً.. (در مسند احمد بن حنبل طبق حديث معاذ بن اسد)

فواتح سوره

ستایش خداوند: تحمید: حمد انعام كهف سباء فاطر - تبارك: فرقان ملك - تسبیح: اسراء حديد حشر جمعه تغابن اعلى صف

حروف مقطعه (حروف تهجی): نصف حروف الفبا در فواتح سوره آمده - * ساده و عادی: سيد بن طاووس در سعد السعود، ابومسلم اصفهانی، زمخشری، بیضاوی، ابن تیمیه، حافظ مزی - * از اسرار و رازها و غیر قابل درک: شعبی، علی(ع) در روایات اهل سنت، ابن مسعود - * آینده نگری: مقاتل بن سلیمان، علی بن فضال - * نامهای سوره و آغاز آنها: طبری، ابن کثیر - * نامهای قرآن: مجاهد بن جبر مکی - * رمز نسبت به اسما و صفات خداوند متعال: ثعلبی - صبحی صالح: اینها همه ذوق و تأویلات شخصی هستند. - * رمزی به اسما اعظم الهی: سعید بن جبیر میگوید قادر نیستیم جمع کنیم - * سوگند خدا به نامهای خود: ابن عباس، عکرمه، اخفش - * نشانه پایان سوره قبلی - * نولدکه: بیگانه از نص قرآن است و مردم اضافه کردند - * اسکات کفار و جلب توجه آنها - * رشاد خلیفه: نسبت بیشتر حروف - * طبرسی: نام سوره - * مجاهد بن جبر: صرفاً فواتح سوره - * رشید رضا: تنبیه برای مشرکین مکه و اهل کتاب مدینه (طوسی، طبرسی، فخر رازی)

نداء: به رسول خدا: احزاب طلاق تحریم مزمل مدثر - به مردم: نساء مائده حج حجرات ممتحنه

جمله خبریه: انفال (يسئلونك عن الانفال) - برائت (برائه من الله) - نحل (اتي امر الله) - انبياء (اقترب للناس) - مؤمنون (قد افلح المؤمنون) - نور (سوره انزلناها) - زمر (تنزيل الكتاب) - محمد (الذين كفروا) - فتح (انا فتحنا) - قمر (اقتربت الساعة) - الرحمان - مجادله (قد سمع الله) - حاقه - معارج (سأل سائل) - نوح (انا ارسلنا نوحاً) - قيامه (لا اقسام) - بلد (لا اقسام) - عبس - قدر (انا انزلناه) - بينه (لم يكن الذين كفروا) - قارعه - تكاثر (الهاكم التكاثر) - كوثر (انا اعطيناك) قسم و سوگند: صافات (ملائكه)، بروج و طارق (افلاك)، نجم (ثريا)، فجر، شمس، ليل، ضحى، عصر، ذاريات، مرسلات، طور، تين، نازعات، عاديات

شرط: واقعه، منافقون، تکویر، انفطار، انشقاق، زلزله، نصر

امر: جن + چهار قل

استفهام: انسان (هل اتی)، نبأ (عم يتسائلون)، غاشیه (هل اتاك)، انشراح (الم نشرح)، فیل (الم تر)، ماعون (ارأیت)

دعا (نفرین): مطفین، همزه، تبت

تعلیل: قریش (لایلاف)

تعداد حروف و کلمات: سیوطی: بحث بی‌ثمری است، سخاوی هم همین را می‌گوید: بحث درباره تعداد حروف و کلمات کتابی پر ثمر است که در آن تحریف شده باشد نه قرآن.

نام‌های دیگر سور: بقره (الم ذلک الكتاب- فسطاط القرآن)، مائده (العقود- المنقذه)، توبه (الفاضحه- المنقره- المدمدمه- المشقشقه- المبعشره- الحافره- المثیره- العذاب)، یوسف (احسن القصص)، نحل (النعم)، اسراء (بنی اسرائیل)، فرقان (تبارک)، شعرا (طسم)، نمل (طس)، سلیمان: در مصحف ابی بن کعب، قصص (موسی و فرعون)، سجده (مضاجع، سجده لقمان، جزر)، سبأ (داود: در مصحف ابی)، فاطر (ملائکة)، زمر (الغرف)، مؤمن (غافر، الطول)، فصلت (حم سجده، المصاییح)، شوری (حم عسق)، جائیه (الشریعه)، محمد (القتال، الذین کفروا)، ق (الباسقات)، قمر (اقتربت الساعه)، مجادله (ظهار)، ممتحنه (الامتحان)، صف (حواریین)، طلاق (النساء، القصری)، تحریم (یایها النبی)، ملک (المنجیه، الواقیة)، قلم (ن والقلم)، دهر (انسان، الابرار، هل اتی)، مرسلات (العرف)، نبأ (عم يتسائلون، التساؤل، المعصرات)، عبس (السفره)، تکویر (کورت)، انفطار (انفطرت)، مطفین (تطفیف)، انشقاق (انشقت)، شمس (ناقه، صالح)، انشراح (الم نشرح)، علق (اقراً)، قدر (انا انزلناه)، بینه (البریه، لم یکن، القیامه)، زلزال (الزلزله)، همزه (لمزه)، فیل (الم تر کیف)، قریش (لایلاف)، ماعون (ارأیت، الدین)، کافرون (جد)، نصر (التودیع)، لهب (ابی لهب، مسد، تبت)، اخلاص (توحید، صمد، اساس، جمال، معرفه، مقشقه، مانعه، نجات، نسبه الرب، نور، تفرید، تجرید، ولایه...)

پیدایش خط و جمع قرآن و...

نوشت افزارهای قرآنی: قرطاس، قلم، مداد، صحف، سجل، رق

نخستین مدینه‌ای که با سواد بود: عبدالله بن سعد بن امیه

خط نسخ در نوشته‌ها و نامه‌های عادی به کار می‌آمد.

امی بودن: « و ما کنت تتلو من کتاب و لا تخطه بيمينک» پیامبر نه نوشته ای خواند و نه چیزی نوشت. / ابوحنیان: اکثر مسلمین معتقدند که پیامبر نخواند و نوشت / شعبی: پیامبر از دنیا رفت تا اینکه چیزی نوشت. هروی و ابوالولید باجی بر این نظرند / طبری از قول ابن عباس: الامیین یعنی کسانی که از وحی بی اطلاع بودند / یتبعون النبی الامی: نا آشنا به خواندن و نوشتن / بلاشر اقرأ را به اُنذر و اُدعُ تفسیر کرده / سید مرتضی: پیش از نبوت نمی دانست اما شاید پس از آن می توانست بخواند و بنویسد.

نگارش قرآن: نخستین کاتب وحی: مکه: عبدالله بن سعد بن ابی سرح، مدینه: ابی بن کعب / پیش از همه: حضرت علی(ع)، بعد از او: زید بن ثابت / ابن ندیم تحت عنوان الجماع القرآن نخست از علی(ع) نام می برد / عبدالله بن سعد بن ابی سرح: کاتبی که مرتد شد و گفت: سانزل مثل ما انزل الله / ابوعبدالله زنجانی: کتاب وحی غالباً با خط نسخ می نوشتند / امیرالمؤمنین: خط زیبای کوفی نام نوشت افزارها در قرآن: قرطاس (کتاباً فی قرطاس فلمسوه)، قلم، مداد به معنای مرکب (لو کان البحر مداداً)، صحف، سجل به معنی پیمان نامه (کطی السجل للکتب)، رق (فی رق منشور) به معنای پوست نازک و ظریف یا برگ سفید

نوشت افزارهای معمول برای کتابت قرآن: عسب (ج عسیب): جریده و چوبه نخل / لخاف: سنگ سفید نازک / اکتاف: استخوان شانه / اقتاب: چوب بر روی شتر / رفاع (ج رقعہ): برگ کاغذ یا درخت و گیاه و پوست حیوانات / حریر: پارچه / قرطاس: کاغذ به هر قسم از نوشته های قرآنی صحیفه یا مصحف می گفتند.

جمع قرآن: به دو معنا: حفظ کردن - نگارش

حفاظ قرآن به نقل خوارزمی: علی(ع)، ابی بن کعب، عباده بن صامت، ابویوب انصاری، مجمع بن حارثه / به نقل ابن ندیم: علی(ع)، سعد بن عبید، ابوالدرداء، عمویر بن زید، معاذ بن اوس، زید بن ثابت، ابی بن کعب، عبید بن معاویه، ابوزید انصاری

زید: کنا عند رسول الله نؤلف القرآن من الرقاع: دلالت بر جمع و تدوین قرآن در زمان پیامبر / بلخی: پیامبر جمع و تدوین نمود. سید مرتضی نیز بر همین نظر است. / آیت الله خویی: جمع زمان پیامبر بوده، سند جمع زمان خلفا مخدوش و مجعول و مخالف ادله احکام شرعی / حارث محاسبی: عثمان توحید مصاحف کرد نه جمع. / خطابی: زمان پیامبر جمع نشد زیرا وحی منقطع نشده بود / محدث نوری: زمان پیامبر جمع نشد.

نخستین گام برای صیانت از تحریف: حفظ و به خاطر سپردن آیات / پیامبر در رأس همه حفاظ و قراء

اقراء یعنی تو بخوان و من استماع کنم (پیامبر به ابی بن کعب می گفت)

قرطبی: حفاظ در زمان پیامبر از ۷۰ تن بیشتر بودند / در جنگهای یمامه و بئر معونه تعدادی از حفاظ شهید شدند.

حفاظ به نقل ابوعبیده قاسم بن سلام: خلفا اربعه، طلحه، سعد بن عبید، ابن مسعود، حذیفه، سالم بن معقل، ابوهریره، عبدالله بن سائب، عبادله اربعه، عایشه، حفصه، ام سلمه / از انصار: عباده بن صامت، معاذ بن جبل، مجمع بن جاریه، فضاله بن عبیده، مسلمه بن مخلد

کسانی که برای تعلیم قرآن به مدینه آمدند: مصعب بن عمیر، عبدالله بن ام مکتوم. پس از اینها عمار بن یاسر و بلال حبشی / پس از فتح مکه، معاذ بن جبل برای تعلیم قرآن آنجا ماند.

معروفین به عنوان مقرئ: امیر المومنین (ع)، عثمان، ابی بن کعب، زید بن ثابت، عبدالله بن مسعود، ابوالدرداء، ابوموسی اشعری

قراءات

معنی قرائت: زجاج: جمع کردن: قرأت الماء فی الحوض / قطرب نحوی: انداختن: ما قرأت الناقه سلی قط: ما اسقطت / برگشتراسر: از زبان آرامی وارد عربی شده

اصطلاحاً: مستشرقین: راه و روش تلاوت و رسم و نگارش قرآن / شیعه و سنی: طرق و روایات قرآنی که با اسناد به ثبوت رسیده‌اند تا عمل لازم التباع باشد / نحویون اجتهاد در قرائت را جایز می‌دانند / ابن مقسم: هر قرائت از نظر عربیت صحیح باشد در نماز جایز است.

مأخذ قرائت، روایت و اسناد است. مأخذ کتابت طرقی که در نوشتن معمول بوده است. / گلذیهر: منشأ اختلافات: کتابت

ابوبکر بن مجاهد در اوائل قرن چهارم قراءات سبعة را جمع کرد

سبعة احرف: ۷ وجه از وجوه لغات و لهجه های عرب: قریش، هذیل، هوازن، ثقیف، کنانه، تمیم، یمن / ابوعمر و دانی: سبعة احرف به دو معنا: لغات و لهجه، قراءات

شیعه مخالف سبعة احرف: صحیحه زراره از امام صادق(ع): القرآن واحد نزل من عند واحد / امام رضا(ع): کذبوا انما هو واحد نزل من عند واحد / طوسی، صدوق، جزائری، سید مرتضی، سید بن طاووس: اجمات بر حدیث امام صادق(ع) / منافات با روایت عمر و عثمان که قرآن بر زبان قریش نازل شد / مخاصمه عمر و هشام بن حکیم / با روایت مخالف است.

فرضیه وُلرس: قرآن با اسلوب زبان عرب تفاوت داشت که بعداً اصلاح شد.

اختلافات (به گفته ابن جزری): ۱. در لفظ بدون اختلاف معنایی: صراط، زراط، سراط - ۲. در لفظ و معنی: مالک، ملک - ننشزها، ننشرها - یکذبون، یکذبون - ۳. در لفظ و معنی غیر قابل اجتماع: و ظنوا انهم قد کذبوا - و ان کان مکرهم لتزول منه الجبال

فوائد اختلاف قرائت (به گفته آنها): ۱ - پیامبر(ص) خواست بر امت سخت نگیرد ۲ - بیان حکم مورد اجماع علما ۳ - جمع میان دو حکم مختلف: و لاتقربوهن حتی یطهرن ۴ - نهایت بلاغت و ایجاز

سلسله حدیث سبعة احرف: ابن کلبی از ابی صالح از ابن عباس یا قتاده: ضعیف

ادله نزول قرآن به لهجه قریش: ۱ - پیامبر(ص) قریشی بود (و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه) ۲ - قریش فصیح ترین عرب بوده اند ۳ - از عجم دور بودند ۴ - روایاتی که تأیید نزول به قریش می‌کند (خبر منسوب به قتاده که گفته: قریش بهترین لغت را انتخاب کرده بود تا دارای فصیح ترین لغات باشد. / رد این نظریه: ۱ - عثمان گفته بود املاکننده از هذیل و نویسنده از ثقیف باشد ۲ - قریش ابهام و پیچیدگی دارد. ۳ - اختلاف قریشی‌ها در فهم قرآن ۴ - قریش در همه چیز برتر بودند الا شعر ۵ - استشهاد ابن عباس به شعر در تفسیر قرآن ۶ - مراجعه علمای لغت به بادیه نشینان

ابوعمر بن علاء: افصح: علیای هوازن، سفلیای تمیم: بنی سعد بن بکر / نولدکه: اختلاف لهجه در حجاز و نجد و مجاور فرات زیاد قابل توجه نیست و جمع همه اینها لهجه فصیح است. / نالینو: عربی فصیح از نجد برآمده و در کنده تهذیب شده / کهن‌ترین نصوص تاریخی متون حران (شام) است که با لهجه ای نزدیک به لهجه قرآن نگاشته شده.چ

نقطه گذاری توسط نصر بن عاصم و یحیی بن یعمر / حرکات، سکنات و اعراب بوسیله ابوالاسود دوئلی

ریشه اختلاف قرائت: ۱ - نگارش ۲ - اضافات و حواشی ۳ - لغاتی که از نظر شکل و اعراب فرق می‌کنند ولی دارای یک معنی‌اند. ۴ - کلماتی که به لحاظ شکل و معنی متفاوت است.

عمده اختلافات درباره کلمات مترادف است.

عبداله بن مسعود از هذیل است / نخستین مدون کتاب درباره قرائت: ابان بن تغلب / سپس حمزه بن حبیب زیات، سپس ابو عبیده قاسم بن سلام کتاب نوشتند / قراء سبعة مربوط به دوره پس از صحابه و تابعین هستند.

قراء سبعة:

۱ - نافع بن ابی نعیم مدنی (ابی رویم) / نزد ابومیمونه مولی ام سلمه فرا گرفته است / راویان: قالون، ورش (عثمان بن سعید)

۲ - عبدالله بن کثیر مکی / انس بن مالک و عبدالله بن زبیر را درک کرده بود / از عبدالله بن سائب مخزومی که او از ابی بن کعب و عمر بن خطاب و آنها از پیامبر (ص) / از قراء طبقه دوم / بنا بر قول مشهور قرائت را از مجاهد گرفته / راویان: بزی (بشار بزی که بوسیله ابی سائب اسلام آورد) ، قنبل

۳ - عاصم بن ابی النجود کوفی شیعی / از قراء طبقه سوم / راویان: حفص (که ربیب عاصم بوده) ، ابوبکر بن عیاش

۴ - حمزه بن زیات کوفی شیعی (طبقه چهارم) / بر امام صادق (ع) خوانده / راویان: خلف، خداد

۵ - ابوالحسن کسایی کوفی / راویان: حفص دوری، ابوالحارث

۶ - ابوعمر و بن علاء بصری / کثرت اساتید و شیوخ قرائت / شیعی / راویان: حفص دوری، سوسی

۷ - ابن عامر دمشقی / راویان: هشام، ابن ذکوان

۸ - خلف / ۹ - یعقوب بن اسحاق / ۱۰ - ابوجعفر یزید بن قعقاع مدنی / ۱۱ - حسن بصری / ۱۲ - ابن محیسن / ۱۳ - شنبوذی / ۱۴ - یحیی بن مبارک یزیدی

جمع قرآن

جنگ یمامه: با مسیلمه کذاب، ۷۰ نفر از حفاظ شهید شدند

زید بن ثابت مأمور جمع قرآن در زمان ابوبکر

خزیمه یا ابوخزیمه انصاری: کسی که زید آیات آخر سوره توبه را نزد او یافت

نامگذاری قرآن به نام مصحف به زمان ابوبکر باز می‌گردد / صحیفه: هر چیز گسترده و پهن

عبداله بن مسعود در جمع قرآن با عثمان مخالفت کرد

قاریانی که با مصحف عثمان به شهرها فرستاده شدند: مدینه زید بن ثابت - مکه عبدالله بن سائب - شام مغیره بن شهاب - کوفه ابوعبدالرحمان سلمی - بصره عامر بن عبدالقیس

مصحف امام مصحفی که پیش عثمان ماند

اختلافات مصاحف: مدینه: و اوصی، عراق: و وصی - مدینه: سارعا، عراق: و سارعا

کازانوای مستشرق: حجاج اولین کسی که قرآن را جمع کرد / جمع عثمان افسانه است / در زمان
عبدالملک مروان که نقط و اعجام صورت گرفت این افسانه ساخته شد

نقط و اعجام

ابو احمد عسکری: مسلمین تا حدود چهل و اندی سال قرآن را از روی مصاحف قرائت کردند
قواعد ساده و بسیط برای زبان عربی به دستور امیرالمومنین(ع) و توسط ابوالاسود دوئلی ساخته
شده

اعراب گذاری: ابوالاسود به تحریک زیاد بن سمیه

اعجام: نقطه گذاری، حروف نقطه دار (معجمه)، حروف بی نقطه (مهمله) : توسط نصر بن عاصم و یحیی
بن یعمر به دستور حجاج بن یوسف

نقاط اعراب گذاری ابوالاسود به وسیله خلیل بن احمد به علائم امروزی تبدیل شد

مالک بن انس: نقطه گذاری فقط در مصاحف آموزشی، در سرمشق اشکال دارد. / نووی: نقطه
گذاری و اعراب مستحب و پسندیده است / حسن بصری و ابن سیرین کراحت به نقطه گذاری
داشتند / ابن مسعود قرآن از علائم جدا سازید (خالی سازید) / خلیل بن احمد کسی که علائم
کنونی و همزه و تشدید و روم و اشمام را پدید آورد / ابوحاتم سجستانی کتابی در نقط و اعراب
گذاری قرآن تألیف کرد / شیوه نگارش قرآن در قرن سوم هجری به بلوغ رسید / ابوعمر و دانی
نقطه گذاری قرآن را با رنگ مشکی هم رنگ خط قرآن جایز نمی دانست. لذا حرکات و تنوین و.. با
رنگ سرخ و همزه با رنگ زرد مشخص میشد / شعبی و نحفی ابتدا مکروه سپس مجاز دانستند
وضع اعشار (هر ده آیه) در زمان مأمون یا حجاج صورت پذیرفت / ولید بن عبدالملک، خالد بن ابی
الهیاج را برای نگارش مصاحف و محراب مسجد نبوی انتخاب کرد / خط کوفی تا اواخر قرن چهارم
استفاده میشد و از اوائل قرن پنجم خط نسخ جای آن را گرفت.